

بررسی مفاهیم و شاخص‌های نظریه شهر جهانی

A Study of Concepts and Indicators of the Global City Theory

Ahmad Pourahmad* Ph.D
Mehdi Gharakhloo** Ph.D
Sirous Mousavi***

احمد پوراحمد*
مهدی قرخلو**
سیروس موسوی***

چکیده

Abstract

Numerous studies have been conducted over the past four decades about the effects of globalization on cities and the way cities have been responding to pressures imposed upon them by globalization. Over the decades, cities have developed a complex relationship with globalization in light of their social and economic significance. Further research into this relationship has led to the introduction of a new concept in urban studies known as the global city theory.

This theory embodies discussions on the effects of globalization on cities and the way cities have been responding to the changes brought about by this phenomenon. It also includes a series of guidelines to help cities become part of the globalization process.

In addition, the global city theory studies the effects of globalization on the new identity of contemporary cities, outlines a new set of criteria to distinguish global cities, defines the characteristics of such cities, develops a ranking system for them and studies the relationship between cities and global city networks.

Keywords

Globalization, Global city, Global city network, Global city ranking.

بررسی تأثیرات جهانی‌شدن بر شهرها و پاسخ شهرها به فشارهای ناشی از جهانی‌شدن، موضوع مطالعات گوناگونی در طول حداقل چهار دهه اخیر بوده است. شهرها در طول این دهه‌ها به دلیل اهمیت اجتماعی و اقتصادی، روابط پیچیده‌ای با جهانی‌شدن داشته‌اند. مطالعات درباره این روابط در حال شکل‌دادن به یک چارچوب نظری جدید در مطالعات شهری است که نظریه شهر جهانی خوانده می‌شود. در مطالعات شهری، این نظریه جدید با پرسش‌هایی در رابطه با تأثیرات جهانی‌شدن بر شهرها و نحوه پاسخگویی شهرها به جهانی‌شدن آغاز می‌شود و با تدوین فرآیندهایی راهنما برای هدایت شهرها به سمت جهانی‌شدن پایان می‌یابد. نظریه شهر جهانی دربرگیرنده محورهای مطالعاتی دیگری، نظیر شناخت تأثیرات جهانی‌شدن در رابطه با ماهیت جدید شهرهای معاصر، تعیین معیارهایی برای شناخت شهرهای جهانی، بررسی خصوصیات این شهرها، رتبه‌بندی شهرهای جهانی و بررسی روابط بین شهرها و شبکه‌های شهری جهانی است.

واژگان کلیدی

جهانی‌شدن، شهر جهانی، شبکه شهری جهانی، رتبه‌بندی شهرهای جهانی.

*استاد گروه جغرافیای انسانی دانشگاه تهران. تهران. apoura@ut.ac.ir

**دانشیار گروه جغرافیای انسانی دانشگاه تهران. تهران. mehdegh@yahoo.com

***پژوهشگر دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران. تهران. نویسنده مسئول. ۰۹۱۲۵۴۹۳۴۹۰-sirousmousavi@gmail.com

*Professor of Geography and Urban Planning, University of Tehran. Tehran. Iran.

**Associate Professor of Geography and Urban Planning, University of Tehran. Tehran. Iran.

***Ph.D. Candidate in Geography and Urban Planning, University of Tehran. Tehran. Iran.

مقدمه

جهانی‌شدن در دهه‌های اخیر موجب تحولات شگرفی در روند شهرنشینی و خصوصیات شهرهای جهان شده است. شهرها در نتیجه جهانی‌شدن اقتصاد، روابط انسانی، جریان‌های فرهنگی و آگاهی‌های فردی دچار تحولاتی می‌شوند که شدت و ضعف آنها متناسب با میزان پیوستگی شهرها با جریان جهانی‌شدن، متفاوت است. تأثیرات جهانی‌شدن بر شهرها منجر به ظهور الگوی جدیدی از شهرنشینی در دهه‌های اخیر در دنیا شد که با خصیصه عملکرد جهانی در زمینه‌های اقتصاد، فرهنگ، سیاست و شیوه‌های جدید زندگی، از اشکال شهرنشینی گذشته متمایز می‌شود. مطالعه تأثیرات جهانی‌شدن بر شهرها موجب شکل‌گرفتن نظریه جدیدی در چند دهه اخیر در مطالعات شهری شد که از آن به نظریه شهر جهانی نام برده می‌شود. این نظریه مبتنی بر شناخت تأثیرات جهانی‌شدن بر شهرها و نقش‌آفرینی آنها در فرآیند جهانی‌شدن است.

نظریه شهر جهانی متشکل از مباحث و فرضیاتی برای تبیین روابط بین جهانی‌شدن و شهر و نحوه مواجهه شهرها با جهانی‌شدن در دهه‌های اخیر است. در این نظریه، شناخت شهرهایی که بیشترین پیوند را با جهانی‌شدن دارند و همچنین معیارهای تعیین سطح این پیوستگی، از اهمیت کانونی برخوردار است. این نظریه همچنین تبیین‌کننده رویکردهای جدید شهرها برای حفظ حیات و اهمیت خود در دوران جهانی‌شدن است؛ دورانی که امکان پراکندگی فعالیت‌ها در سراسر جهان موجب تحول مفهوم مکان و جغرافیا شد. رتبه‌بندی شهرها بر اساس میزان جهانی بودن آنها و نقش‌هایی که برای تأثیرگذاری بر اوضاع مختلف جوامع در سراسر جهان ایفا می‌کند، بخش دیگری از نظریه شهر جهانی را تشکیل می‌دهد.

شناخت و تبیین این نظریه مستلزم شناخت ماهیت و فرایندهای جهانی‌شدن و تأثیرات آن بر شهرهای معاصر از یک سو و شکل دادن به فرآیندهایی برای ارتقای سطح عملکردی شهرها در نظام فعالیت‌های جهانی از سوی دیگر است.

مفهوم جهانی‌شدن

در دهه‌های اخیر، جهانی‌شدن یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات در محافل مختلف دولتی، دانشگاهی و خصوصی بوده است. اهمیت این موضوع از تأثیرگذاری فرآیند جهانی‌شدن بر سیاست‌های اقتصادی، الگوهای مدیریتی، فقر و دولت‌مندی، روندها و الگوهای توسعه ملی و محلی، فرهنگ‌ها و عقاید گوناگون محلی، روابط بین افراد، مقیاس جهانی تأثیرات و عملکردها و ... ناشی می‌شود. "برخی محققین در تبیین این پدیده بر تغییرات در اقتصاد جهانی نظیر از هم پاشیدگی رژیم پولی «برتون وودز» در اوایل دهه ۱۹۷۰، افزایش اهمیت شرکت‌های فراملی، مقررات‌زدایی از سرمایه‌های پولی، آزادسازی جریان تجارت و سرمایه‌گذاری، توسعه وسیع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، توسعه شدید فن‌آوری‌های ارتباطات و اطلاعات و کاهش هزینه و زمان در حمل و نقل و ارتباطات راه دور تمرکز می‌کنند. برخی دیگر، جهانی‌شدن را با انواعی از تهدیدات و تغییرات در اشکال تثبیت‌شده قدرت دولت‌های ملی مرتبط می‌دانند. گروهی نیز بر ظهور اشکال جدید هویت جمعی، جابجایی و تفرق سیاسی توجه دارند که اغلب با واسطه فن‌آوری‌های جدید اطلاعاتی، مبانی ملیت را به عنوان مثالواره روابط اجتماعی روزمره، بر هم زده‌اند" [Brenner, 2004: 31].

محققان از منظرهای گوناگونی درباره جهانی‌شدن بحث می‌کنند که موجب تنوع تعاریف و توصیفات درباره این پدیده می‌شود. از نظر «آنتونی گیدنز» جهانی‌شدن موجب پیوند مکان‌های دور از هم و تأثیرگذاری حوادث و رویدادهای سراسر جهان بر یکدیگر می‌شود [Perry & Mavrer, 2003: 334]. رونالد رابرتسون نیز جهانی‌شدن را در هم فشردن جهان و تراکم آگاهی‌ها نسبت به جهان به عنوان یک کل تعریف می‌کند [رابرتسون، ۱۳۸۵: ۳۵]. از نظر «مالکوم واترز» نیز جهانی‌شدن، فرآیندی اجتماعی است که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است، از بین می‌رود و مردم به طور فزاینده‌ای از کاهش این قید و بندها آگاه می‌شوند [واترز، ۱۳۷۹: ۱۲]. صندوق بین‌المللی پول نیز جهانی‌شدن را با مشخصاتی نظیر ادغام وسیع‌تر اقتصادهای جهان و رشد وابستگی اقتصادی متقابل کشورها در سراسر جهان از طریق افزایش حجم و تنوع مبادلات کالا و خدمات و جریان سرمایه در ماورای مرزها و همچنین از طریق پخش گسترده‌تر فن‌آوری تعریف می‌کند [بهبکیش، ۱۳۸۱: ۲۵].

بر اساس تعاریف یادشده و اذعان به تنوع فراوان در نگاه‌ها به مفهوم جهانی‌شدن، توجه به خصوصیات مشترک این تعاریف نشان می‌دهد که به طور کلی جهانی‌شدن با چهار تحول مهم زیر همراه است:

- افزایش به هم پیوستگی و ارتباطات فردی و اجتماعی در گستره جهانی
- گسترش فراملی عرصه فعالیت‌های اقتصادی
- افزایش اهمیت اطلاعات در اقتصاد جهانی و کاهش اهمیت مرزها و کنترل‌های ملی
- ارتقای مقیاس تأثیرات فعالیت‌ها و عملکردهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در سطح جهانی.

هریک از جوامع انسانی، متناسب با شرایط و مقتضیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خود، تأثیراتی از این تغییرات اجتماعی جدید می‌پذیرند و شدت و ضعف، و مثبت و منفی بودن پیامدهای جهانی‌شدن برای این جوامع مختلف، بستگی به شرایط یادشده دارد. شهرها بر اساس اهمیت تاریخی خود به عنوان واحدهای اقتصادی-اجتماعی، در کانون توجه فرآیندها و آثار جهانی‌شدن قرار دارند و بازتاباننده بیشترین تأثیرات امواج جهانی‌شدن و دربردارندهٔ بیشترین و آشکارترین نشانه‌های جهانی‌شدن هستند. این سکونتگاه‌ها، همانند گذشته، مهم‌ترین نقش را در فضای جریانات جهانی معاصر ایفا می‌کنند.

موضوعات اصلی در نظریه شهر جهانی

در طول دهه‌های اخیر، برای تبیین روابط بین شهرها و جهانی‌شدن و تحولات شهری منتج از آن، نظریه‌های گوناگونی مطرح شده است؛ ولی نظرات «جان فریدمن» و «ساسکیا ساسن» تعیین‌کننده‌تر بوده‌اند. فریدمن در سال ۱۹۸۶ در مقاله «فرضیات شهر جهانی»^۱ فرآیند ظهور این شهرها را با هفت فرض اساسی تشریح کرده است. این مقاله تأثیرگذار، موجب نظم‌بخشی به نحوهٔ تفکر درباره تأثیرات جهانی‌شدن بر شهرها شده است. فرضیه‌های وی در رابطه با سازمان تقسیم کار بین‌المللی جدید و چگونگی تأثیرپذیری شهرها از این نظام اقتصادی جدید است [Friedman, 1986:317].

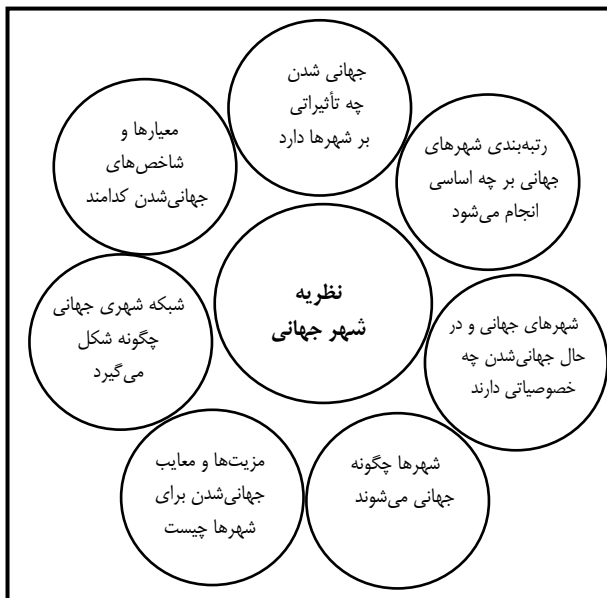
ساسن نیز در سال ۲۰۰۵ برای تبیین متفاوتی از رابطه شهرها و جهانی‌شدن، هفت فرضیه تدوین کرد. این فرضیات در مقاله مقدمه‌ای بر مفهوم شهر جهانی^۲ ارائه شد. فرضیات وی عموماً بر نیازهای اقتصاد جهانی به کارکردهای مرکزی، انباشتگی تاریخی فعالیت‌ها و زیرساخت‌ها در شهرها و هماهنگ‌شدن شهرها با تحولات اقتصادی و اجتماعی جدید ناشی از جهانی‌شدن فراینده در دوره معاصر تأکید دارد. براساس این فرضیات، در دوران جهانی‌شدن نه تنها از اهمیت شهرها کاسته نشد؛ بلکه نقش‌های جدیدی را برای تداوم حیات و کمک به جهانی‌شدن ایفا می‌کنند [Sassen, 2005:28-30].

این دو دسته فرضیه دربارهٔ فرآیند جهانی‌شدن شهرها و نحوه تعامل شهرها با جهانی‌شدن، مبانی متفاوتی برای تحقیقات درباره روابط شهرها و جهانی‌شدن ایجاد کرده است و به تدریج موجب انشقاق در رویکردهای مطالعاتی شده است. به گونه‌ای که در هر یک از این دو رویکرد از اصطلاح خاصی برای معرفی شهرهای جهانی استفاده می‌شود. با وجود تنوع اصطلاحات مورد استفاده برای شهرهای جهانی نظیر World-City (پاتریک گدس، پیتر هال و فریدمن)، supervills و World-City (برادل)، informational city (کاستلز) و Global City (ساسن)، اکنون دو اصطلاح World City و Global City پرکاربردترین اصطلاحات در ادبیات شهر جهانی است. برخی از محققین، تفاوتی بین آنها قائل نمی‌شوند و آنها را به طور همزمان به شکل World\Global City بکار می‌برند ولی در سال‌های اخیر بر شدت کاربرد جداگانه این اصطلاحات افزوده شده و برای ایجاد تفاوت‌هایی بین آن دو تلاش می‌شود. نخستین بار، ساسکیا ساسن با استفاده از اصطلاح جدید Global City برای معرفی شهر جهانی، مسیر جدیدی در مطالعات شهر جهانی گشود.

به طور کلی، اکنون پیروان نظریات و فرضیات فریدمن با اصطلاح World City و ساسن با Global City شناخته می‌شوند. ساسن در کتاب «شهر جهانی: نیویورک، لندن، توکیو»، با اطلاق صفت کلاسیک برای مفهوم World City، تفاوت این دو اصطلاح را چنین بیان کرد: "تفاوت بین مفهوم کلاسیک و اصطلاح Global City، در سطح عام و خاص بودن تاریخی آن است. مفهوم اول، نوع مشخصی از بی‌زمانی را به همراه دارد ولی مفهوم دوم نشانگر یک مرحله اجتماعی-فضایی تاریخی است. تفاوت اساسی بین ترکیب‌بندی من با فریدمن و گوتز در این است که من بر تولید سیستم اقتصادی جهانی تأکید دارم و این تنها یک موضوع ساده هماهنگی جهانی نیست بلکه تولید ظرفیت‌های کنترل جهانی است" [Sassen, 2001:349]. وی همچنین وجود سابقه تاریخی را معیاری برای تشخیص

شهرهای جهانی مورد نظر فریدمن و پیروانش ذکر کرد. به این ترتیب برخی از شهرهای قدیمی نظیر قاهره، مسکو، شانگهای و بومبای را جزو شهرهای جهانی- منطبق با تعریف فریدمن- معرفی کرد ولی اطلاق این عنوان به شهرهایی نظیر ژوهانسبورگ، مکزیکو، سائوپولو و جاکارتا را دشوار دانسته است [Sassen, 2004:372].

در ادبیات نظریه شهر جهانی، محورهای مطالعاتی گوناگونی وجود دارد که محققان به انجام آنها علاقه نشان می‌دهند. مهم‌ترین و اساسی‌ترین محور، شناخت روابط بین شهرها و جهانی‌شدن و تأثیرات این دو پدیده بر یکدیگر است. بررسی مطالعات و نظرات مختلف درباره روابط بین شهرها و جهانی‌شدن در طول چند دهه اخیر نشان می‌دهد که این مطالعات و نظرات، عموماً در پی پاسخ به چند پرسش اساسی بوده است. این پرسش‌ها هدایتگر مطالعات و تفکرات متنوع در این رابطه است. پاسخگویی به این پرسش‌ها، تبیین‌کننده روابط بین جهانی‌شدن و شهرها و وضعیت معاصر شهرهاست. برخی از مهم‌ترین پرسش‌های مرتبط با روابط شهرها و جهانی‌شدن در تصویر ۱ مشخص شده است.



تصویر ۱. چارچوب نظریه شهر جهانی. مأخذ: نگارندگان.

تلاش برای پاسخگویی به این پرسش‌ها مطالعات متنوع و متعددی را در سراسر جهان برانگیخت که حداقل یکی از محورهای مطالعاتی زیر را در برمی‌گیرد:

۱. تبیین تأثیرات فرآیندهای جهانی‌شدن بر حیات شهرها در دهه‌های اخیر
۲. خصوصیات شهرهای جهانی
۳. وضعیت ارتباطات و مناسبات شبکه‌ای بین شهرهای جهانی
۴. رتبه‌بندی شهرها از نظر جهانی بودن
۵. فرآیند پیوند شهرها به جهانی‌شدن.

پیشینه تحقیق درباره روابط جهانی‌شدن و شهرها

بررسی روابط بین جهانی‌شدن و شهرها به دهه ۱۹۷۰ باز می‌گردد که مصادف با دوران شکوفایی اقتصادی جهانی و گسترش فزاینده جهانی‌شدن در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. پیش از این «پاتریک گدس» در سال ۱۹۱۵ در کتاب خود با عنوان «تکامل شهرها»، در مبحثی با همین عنوان به بررسی وضعیت برخی شهرهای مهم اروپا پرداخت. اگرچه وی این شهرها را مکان انجام بخش بسیار مهمی از فعالیت‌های اقتصادی برتر جهانی توصیف کرد، ولی این مفهوم با آنچه اخیراً مطرح می‌شود، کمتر تناسب دارد [Hall, 1966:23]. پس از او، «پیتر هال» در سال ۱۹۶۶ با الهام از مطالعه گدس، شش شهر لندن، پاریس، رامستد، راین-روهر، مسکو، نیویورک و توکیو را به عنوان شهرهای جهانی معرفی و بررسی کرد. وی بر اهمیت نقش‌های اقتصادی در شهرهای جهانی، تأکید داشت [Beaverstock et al, 1999:446].

با آغاز دهه ۱۹۷۰ و شدت گرفتن فرایند جهانی‌شدن و تأثیرات گسترده آن بر شهرها، خصوصیات شهرها نیز متحول شد. به اعتقاد هال (۱۹۸۴) "مفهوم شهر جهانی در دهه ۱۹۸۰ متفاوت از قبل است و در مفهوم جدید، شهرهای جهانی نه تنها به عنوان شهرهای برتر سرمایه‌ای محسوب می‌شوند، بلکه شهرهایی هستند که به طور روزافزونی توسط شرکت‌های فراملی با عملکرد فراتر از چارچوب دولت‌ملت، کنترل می‌شوند" [Fiévé & Waley, 2003:249]. اگرچه از این زمان به بعد نظریات مطرح شده درباره شهر جهانی، اشتراکات زیادی دارند، ولی اجماعی با یکدیگر ندارند. در دهه ۱۹۸۰، مطالعات بر دسته‌بندی شهرها از نظر جهانی‌بودن تمرکز یافت که کار «کوهن» آغازگر این مطالعات است. کوهن (۱۹۸۱) بر اساس میزان غلبه مراکز مالی و شرکت‌ها، شهرهای جهانی را در دو سطح درجه یک و دو دسته‌بندی کرد. در این دهه، رتبه‌بندی دیگری از شهرهای جهانی نیز توسط هوارد رید (۱۹۸۱) و بر مبنای اهمیت مراکز مالی بین‌المللی در شهرهای جهانی انجام شد. رید، شهرها را در سه سطح؛ مراکز مالی فراملی عالی^۳ نظیر لندن، مراکز مالی فراملی درجه یک^۴ نظیر نیویورک و توکیو و مراکز مالی فراملی درجه دو^۵ نظیر آمستردام و مراکز مالی بین‌المللی (۲۹ شهر) و مراکز مالی بین‌المللی میزبان^۶ شامل ۳۹ شهر دسته‌بندی کرد. پس از آن، فریدمن (۱۹۸۶)، در یک سطح‌بندی سلسله مراتبی مناقشه‌برانگیز و با اهمیت‌دادن به مراکز کنترل سرمایه در تقسیم کار (فضایی) جدید جهانی، شهرهای جهانی را در دو سطح مرکزی و پیرامونی دسته‌بندی کرد [Beaverstock et al, 1999:446-447].

در دهه ۱۹۹۰ برخلاف تمرکز بر فضای جدید تقسیم کار جهانی که پیش از آن مهم بود، ساسکیا ساسن (۱۹۹۱) با تأکید بر همکاری بین‌المللی شهرها و تمرکز خدمات تولیدکننده (پشتیبان تولید) و اهمیت فراوان آن در شهرهای جهانی، رویکرد جدیدی در مطالعه شهرهای جهانی مطرح کرد. ساسن (۱۹۹۱) با بررسی تأثیرات جهانی‌شدن بر شهرهای نیویورک، لندن و توکیو، آنها را به دلیل تمرکز بالای مراکز فرماندهی در سازمان اقتصاد جهانی، تمرکز شرکت‌های سرمایه‌ای و خدمات تخصصی، مکان‌های تولید نوآوری و بازارهای محصولات و نوآوری‌های تولیدشده در شهرهای جهانی، به عنوان شهرهای جهانی برتر معرفی کرد. از نظر ساسن ظهور شهرهای جهانی، نتیجه جهانی‌شدن فعالیت اقتصادی و ساختار سازمانی خدمات تولیدکننده و صنعت مالی مرتبط با آن است [Ibid: 447]. از این زمان به بعد، دو رویکرد نسبتاً متفاوت در مطالعات شهرهای جهانی با محوریت نظرات فریدمن و ساسن شکل گرفت که تمایزات آنها رو به شفافیت بیشتر دارد.

جهانی‌شدن و تحولات شهری

بررسی تأثیرات ناشی از جهانی‌شدن در شهرها، موضوع بخش اعظم مطالعات مربوط به جهانی‌شدن و شهرها است. گسترش توجه به نظریه شهر جهانی توسط پژوهشگران در سراسر جهان و تلاش برای بررسی جایگاه شهرهای کشور خود در فضای عملکردی جهانی، موجب غنی شدن این ادبیات و آشکار شدن نسبی تأثیرات جهانی‌شدن بر شهرهای بسیار زیادی در جهان شده است. برخی از این تأثیرات و فرایند تأثیرگذاری جهانی‌شدن بر شهرها در ادامه تشریح می‌شوند. گرچه تأثیرات جهانی‌شدن بر شهرها و پاسخ شهرها به جهانی‌شدن تنها محدود به این عرصه‌ها نمی‌شود.

شهرها و اقتصاد جهانی : با وجود ترکیبی بودن تأثیرات جهانی‌شدن بر شهرها، اقتصاد جهانی، بیشترین تأثیرات را بر شهرها داشته است. از نظر اقتصادی، شهرها در دوره جهانی‌شدن با کاهش و تغییر نقش صنایع در شهرهای صنعتی کشورهای پیشرفته و افزایش نقش آن در کشورهای در حال توسعه مواجه بوده‌اند. میشل پاسیون "ظهور شهرهای جهانی، صنعت‌زدایی و تضعیف شهرهای صنعتی قدیمی را از مهم‌ترین نتایج جهانی‌شدن اقتصاد در مقیاس شهری برمی‌شمرد" [Pacione, 2001:285].

صنعت‌زدایی از شهرها در کشورهای پیشرفته موجب ظهور نقش‌های جدید در برخی شهرها و ارتقای نقش‌های گذشته شد. این تغییر نقش مقدماتاً نتیجه هماهنگی شهرها با نیازهای جدید اقتصاد جهانی است که «آبراهامسون» آن را پاسخ جهانی‌شدن^۷ تعبیر می‌کند. از نظر وی "شهرها برای احیای مجدد خود جهت‌گیری‌های جدیدی در پیش گرفتند" [Abrahamson, 2004:3-4].

«هون ماین» در بررسی وضعیت تغییرات ۵۵ شهر مهم جهان در زمینه فعالیت‌های صنعتی در طول دهه ۱۹۹۰ تاکنون دریافت که "در همه این شهرها ساختار صنعتی اقتصاد شهرها تغییر یافته و فعالیت‌های بخش خدمات رو به رشد بوده است. بجز در چند شهر غربی،

انتظار می‌رود که این روند با کاهش رقابت‌پذیری شهرها در زمینه صنایع کارخانه‌ای نسبت به گذشته ادامه یابد" [Hun-Min, 2004]. در این دوره "با کاهش اهمیت سنتی صنایع کارخانه‌ای در شهرها، مراکز مالی و ادارات شرکت‌ها به موتورهای جدید رشد شهری تبدیل شدند که در بازار جهانی با یکدیگر در رقابتند" [Ye, 2004].

در دوران تحول اقتصاد شهرها، اطلاعات به عنوان یک عامل تولید جدید اهمیت بسیاری یافت و خود مبنای توسعه نوعی اقتصاد اطلاعاتی در جهان شد. در نتیجه، اشتغال در شهرهای پیشرفته مرتبط با اقتصاد جهانی به سمت خدمات پیشرفته سوق یافت. «مانوئل کاستلز» در بررسی تجربی تغییرات اشتغال در کشورهای صنعتی گروه هفت، ویژگی‌های بنیادین مشترکی را برای این جوامع اطلاعاتی تشخیص می‌دهد. این ویژگی‌ها عبارت است از: حذف مشاغل کشاورزی، کاهش دائمی مشاغل تولیدی سنتی، افزایش خدمات تولیدی و خدمات اجتماعی، تنوع روزافزون فعالیت‌های خدماتی به عنوان منابع اشتغال، افزایش سریع مشاغل مدیریتی، تخصصی و فنی، تشکیل گروهی از کارگران یقه سفید که از کارگران بخش فروش و دفتری تشکیل شده‌اند، ثبات نسبی سهم قابل توجهی از اشتغال در بخش خرده‌فروشی، افزایش همزمان سطوح بالا و پایین ساختار شغلی، ارتقای نسبی ساختار شغلی در طول زمان با سهم فزاینده مشاغلی که نیازمند مهارت‌های بیشتر و تحصیلات پیشرفته هستند [کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۸۰].

تحول در نقش شهرها: در فرایند جهانی‌شدن، در برخی شهرها نقش‌های جدیدی ظهور کرده و گاهی نقش‌های گذشته در مقیاس جهانی ارتقاء یافته است. خصیصه اصلی این تحولات، توسعه فعالیت‌های بخش خدمات و فراملی- جهانی‌شدن مقیاس تأثیرگذاری این عملکردهاست. بخش مهمی از تحولات نقش شهرها، نتیجه انتظارات فرایندهای اقتصاد جهانی از شهرهاست. در دوره جهانی‌شدن "شبکه‌های جهانی تولید، سرمایه، تجارت و مهاجرت نیازمند نقاطی گره‌ای هستند که زیرساخت‌ها، اطلاعات و منابع مالی برای فعالیت این شبکه‌ها را فراهم آورند" [Breitung & Günter, 2006:85]. از این‌رو، ظرفیت‌های موجود در شهرها موجب توجه عوامل جهانی‌شدن به شهرها شد و "شهرهای معاصر به عنوان گره‌های سازمان‌یافته سرمایه‌داری جهانی، مفصل‌های جریانات کالا در سطح منطقه‌ای، ملی و جهانی و نقاط پایه‌ای در فضای انباشت سرمایه جهانی عمل می‌کنند" [Friedman, 1995:25].

با وجود اهمیت تاریخی شهرها در جوامع ملی، برخی از شهرها که پیوند بیشتری با جهانی‌شدن دارند، به مرکزیت در سطح جهانی دست یافته‌اند. از نظر ساسن، آنها فراتر از نقش تاریخی به عنوان مراکز تجارت و بانکداری بین‌المللی، اکنون به چهار روش جدید نیز مرکزیت یافته‌اند. اول، به عنوان نقاط فرماندهی بسیار متمرکز در سازمان اقتصاد جهانی؛ دوم، به عنوان مکان‌های استقرار شرکت‌های مالی و خدمات تخصصی و جایگزین صنایع کارخانه‌ای به عنوان بخش صنعتی هدایت‌کننده؛ سوم، به عنوان مکان‌های تولید نوآوری‌ها در زمینه صنایع جدید و چهارم به عنوان بازارهایی برای عرضه تولیدات و نوآوری‌ها [Sassen, 2001:3-4].

در نتیجه پیوند با جهانی‌شدن، "شهرها علاوه بر کارکرد صرف در زمینه مبادله کالا و خدمات در منطقه پیرامونی خود که الگویی تاریخی است، مکانی‌هایی مفصلی هستند که مردم و تولیدات آنها را با سراسر جهان پیوند می‌دهند و از طریق آنها، کالاها و خدمات جهانی به بازارهایشان می‌رسند و با مصرف آنها ارزش‌های مازاد تولید می‌شود" [Clark, 1996:9]. تغییر نقش شهرها در همه جا یکسان نیست و بستگی به میزان ادغام کشورها و شهرها در اقتصاد و شبکه جریانات اطلاعاتی و ارتباطی جهانی دارد. اکنون، بیشتر معیارهایی که برای سنجش سطح جهانی‌بودن شهرها مورد استفاده قرار می‌گیرند، ماهیت اقتصادی دارند.

جهانی‌شدن روابط بین شهرها: با کاهش محدودیت‌های جریانات فراملی در دوران جهانی‌شدن، مقیاس روابط بین شهری و شبکه‌های شهری نیز به سطح جهانی ارتقاء یافت. به گونه‌ای که برخی شهرها به عنوان حلقه واسط شبکه شهری ملی و جهانی عمل می‌کنند و موجب پیوند شهرهای ملی به شهرهای جهانی می‌شوند. نقش‌هایی که شهرهای متأثر از جهانی‌شدن ایفا می‌کنند دارای دو وجه ملی و جهانی هستند. "تا میانه قرن بیستم، جریانات وسیع کالا، خدمات و افراد بین شهرها، درون مرزهای ملی دربرگیرنده آنها انجام می‌شد و جریانات نسبتاً کمی بین شهرها از مرزهای ملی آنها عبور می‌کرد ولی از زمانی که شرکت‌های مستقر در تعدادی از شهرهای جهان، کسب و کار خود را به طور حیرت‌آوری در دیگر کشورها توسعه دادند، موازنه روابط بین شهری در درون و برون مرزهای ملی تغییر کرد. در نتیجه سرمایه‌گذاری‌های فراملی و گردشگری بین‌المللی؛ صادرات محصولات سینمایی، موسیقی، سبک‌ها و الگوها افزایش یافت و مردم، محصولات و ایده‌های جدید با سرعتی زیاد بین شهرهای بزرگ جهان در حال جابجایی هستند. پیوندهای بین شهری معاصر که محدوده‌های ملی را در می‌نوردند، یک شبکه جهانی را می‌سازند" [Abrahamson, 2004:2].

شبکه شهری جهانی، دربرگیرنده مجموعه شهرهایی است که عمدتاً به حمایت از فعالیت‌های اقتصاد جهانی مشغولند. در این شبکه شهری، برخی تولیدکننده خدمات پیشرفته هستند و برخی بازارهای مصرف را تشکیل می‌دهند. بعضی نیز مفصل پیونددهنده اقتصاد ملی به اقتصاد جهانی یا محل استقرار ادارات مرکزی شرکت‌های فراملی و مراکز مالی و مبادلات سهام و سرمایه هستند. علاوه بر نقش‌های مرتبط با اقتصاد جهانی، نقش‌هایی در زمینه‌های فرهنگی و سیاسی در مقیاس جهانی نیز به توسعه شبکه شهری جهانی کمک می‌کنند. بر اساس نظر ساسن، این نقش‌های متنوع منجر به پراکندگی نقش‌های جهانی در شهرهای متعدد می‌شود که زمینه شکل‌گیری شبکه‌ای از جریان‌های مبتنی بر همکاری و وابستگی بین آنها را فراهم می‌کند [Sassen, 2008].

شرکت‌های فراملی که فعالیت‌های اقتصادی خود را در سراسر جهان پراکنده‌اند و جریانات سرمایه، نیروی کار و اطلاعات را برمی‌انگیزانند، مهم‌ترین عوامل تشدید جریانات بین شهری در مقیاس جهانی محسوب می‌شوند. آنها از طریق ایجاد شبکه تولید جهانی و پراکندگی واحدهای تولید و مدیریت شرکت‌های فراملی در نقاط مختلف جهان، روابطی میان شعبات خود و با شرکت‌های دیگر برقرار می‌کنند که بخش مهمی از روابط بین شهری را تشکیل می‌دهند. در شبکه شهری جهانی، اهمیت شهرها تابع نقش و قدرت عملکردی آنها در فعالیت‌های جهانی اقتصاد، سیاست، فرهنگ و دانش است. "در شبکه شهری جهانی قدرت شهرها ذاتاً نسبی است و آنها تا حدودی قدرت دارند که به عنوان نقاط فرماندهی و مراکز برنامه‌ریزی عمل کنند" [Alderson & Beckfield, 2004:812].

نابرابری اجتماعی در شهرها: جهانی‌شدن در شهرها، به نابرابری در توزیع درآمدها و ایجاد شکاف درآمدی در جامعه و قطبی‌شدن اجتماعی نیز منجر می‌شود. در اکثر جوامع، برندگان و بازندگان جهانی‌شدن وجود دارند، ولی در کشورهای در حال توسعه که وارد مناسبات ناشی از جهانی‌شدن می‌شوند، این نابرابری جلوه دردناکی به خود می‌گیرد. جهانی‌شدن عموماً موجب افزایش رفاه و استانداردهای زندگی افرادی می‌شود که دارای تخصص‌های خدماتی پیشرفته و توانایی مشارکت در فرایندهای اقتصاد اطلاعاتی باشند. در سطح شهری، جهانی‌شدن گرچه سبب افزایش درآمد می‌شود ولی "تأثیر متفاوتی در جغرافیای اجتماعی شهرها دارد و زمینه‌ساز چالش‌هایی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و سیاست‌گذاری شده است. فرایند جهانی‌شدن و تغییرات اقتصادی ناشی از آن به وسیع‌تر شدن شکاف بین ثروتمندان و فقرا در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فضایی انجامیده و گزارش‌های اواخر دهه ۱۹۹۰ نشانگر رشد تفاوت بین ثروتمندان و فقرا در تمام کشورهای توسعه‌یافته، هم در شهرهای بزرگ و هم کوچک است" [اسکات، ۱۳۸۴: ۱۹]. با توجه به تفاوت بین جوامع پیشرفته و جوامع در حال توسعه در ارتباط با جهانی‌شدن و بهره‌برداری از فرصت‌های آن؛ جهانی‌شدن، نتایج مثبت و برابری برای آنها به همراه ندارد. "در کشورهای فقیر، همزمان با مشارکت شهرها در فعالیت‌ها و شبکه‌های جهانی، بخش قابل توجهی از جمعیت موفق به ارتقای سطح استانداردهای زندگی خود می‌شوند، در حالی که به شدت مغایر با وضعیت زندگی افراد و گروه‌های زیادی در اطراف آنهاست" [Gugler, 2004:16].

براساس بررسی «بریتونگ» و «گوتتر» "بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶ میزان درآمد متوسط در هنگ‌کنگ حدود ۸۴ درصد در سطح نیروی کار و ۷۶ درصد در سطح خانوارها افزایش داشت که نشانگر رشد فوق‌العاده درآمد جامعه در دوره جهانی‌شدن است. ولی این رشد در بین همه اقشار جامعه یکسان نبوده و افراد دارای درآمد ماهیانه بالای ۱۵ هزار دلار هنگ‌کنگ بیشترین میزان افزایش درآمد را داشتند. این وضعیت را می‌توان به افراد گروه درآمدی میانه و مهاجرین نیز نسبت داد. افزایش درآمد گروه پردرآمد موجب افزایش قیمت زمین و سطح کلی قیمت‌ها در هنگ‌کنگ شد که برای گروه‌های کم‌درآمد، خطرناک است" [Britung & Günter, 2006:100].

تحولات مدیریتی شهرها: شهرها از نظر نحوه اداره و توزیع قدرت و میزان استقلال نسبت به دولت‌های ملی نیز از جهانی‌شدن متأثر شده‌اند. کاهش قدرت و اختیارات دولت‌های ملی، افزایش دموکراسی و تغییر شیوه اداره شهرها از حکومت به حکمرانی شهری را از پیامدهای جهانی‌شدن در کشورها و متأثر از آن در شهرها ذکر می‌کنند. حضور شرکت‌های فراملی، مؤسسات مالی و اعتباری در ساختار اقتصادی کشورها و شهرهای مهم و ورود به دوران جدیدی از رقابت شدید بین شهرها، موجب تغییر اهمیت و قدرت دولت و عوامل محلی در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها شده است. شرایط جدید، الزاماتی را مطرح می‌سازد که نظام‌های مدیریت سنتی شهرها قادر به تأمین آنها نیست. تحولات اخیر در مدیریت شهری نتیجه لزوم هماهنگی بین منافع محلی و فرصت‌های حاصل از جهانی‌شدن است. «فرانس شورمان» برای رویارویی با چالش‌هایی که در نتیجه تأثیرات جهانی‌شدن بر شهرها پدید آمده‌اند، شکل‌گیری پارادایم جدیدی را مطرح می‌سازد که مشتمل بر سه مفهوم؛ حکمرانی شهری، مشارکت جمعی و تمرکززدایی است [Schuurman, 2001:189].

به طور کلی، دو شاخص مهم برای بررسی تأثیرات جهانی شدن بر مدیریت شهری شامل تمرکززدایی از قدرت دولت‌های تمرکزگرا به نفع مدیریت‌های شهری و گذر از الگوی سنتی حکومت شهری به حکمرانی شهری هستند. تمرکززدایی از قدرت و منابع دولت‌های مرکزی در راستای افزایش رقابت بین شهرها و شناخت بهتر مدیریت‌های محلی از توانایی‌های محلی و فشارهای جوامع محلی برای استقلال بیشتر در بسیاری از کشورها تجربه می‌شود. این اقدامات برای تقویت شهرها در فرایند رقابت جهانی و تأمین نیازهای شهروندان با همکاری و مشارکت آنها انجام می‌شود. تمرکززدایی به معنی انتقال قدرت، مسئولیت و منابع از دولت یا حکومت مرکزی به نهادهای اداری محلی یا سازمان‌های مستقل از دولت است. این انتقال می‌تواند به توسعه محلی و کاهش فقر کمک کند.

تمرکززدایی قدرت و اختیارات از سازمان‌های مرکزی به سازمان‌های منطقه‌ای و محلی، مبنایی مهم در بهبود توانایی سازمان‌های شهرداری برای رویارویی با چالش‌های جدید و پیچیده‌ای است که از شهرنشینی و جهانی شدن نشأت می‌گیرند. به‌طور کلی تمرکززدایی نیاز مدیران محلی برای دستیابی به اهرم‌های مقرراتی و هماهنگی بیشتر برای مداخله راهبردی در فرایندهای محلی را تأمین می‌سازد. از منظر مهم دیگری نیز تمرکززدایی به نیاز شهروندان و انجمن‌های آنها برای داشتن خودکفایی و تأثیرگذاری بیشتر در سطوح دولتی نزدیک به آنها پاسخ می‌گوید [Edgar, 2000:9].

تحول مهم دیگر در شیوه اداره شهرها، پذیرش دخالت عوامل غیر دولتی متعدد در ترکیب قدرت و فرایند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری برای توسعه شهری است. این تحول مهم با استقرار الگوی مدیریتی حکمرانی شهری همراه است که در آن تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری برای اداره شهرها با مشارکت همه منابع قدرت شهری شامل کنشگران بخش‌های دولتی، خصوصی و مدنی انجام می‌شود. در این ترکیب، بخش خصوصی شامل نیروهای بومی و خارجی است که عمدتاً در عرصه‌های اقتصادی فعالیت دارند. در تعریفی از برنامه توسعه سازمان ملل، حکمرانی شامل ساز و کارها و نهادهایی برای بیان خواسته‌های شهروندان و گروه‌های مردم است و دولت، بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه مدنی را دربرمی‌گیرد [برک‌پور و اسدی، ۱۳۸۸: ۱۹۰]. حکمرانی شهری مبتنی بر مؤلفه‌هایی نظیر پایداری، تمرکززدایی، برابری، کارایی، شفافیت و پاسخگویی است.

خصوصیات شهرهای جهانی

گرچه جهانی شدن بر شهرهای مختلفی در گستره وسیعی از کره زمین تأثیر گذاشته است، ولی برخی شهرها دارای پیوندهای قوی‌تری با فرایندهای جهانی شدن به خصوص در عرصه اقتصاد جهانی هستند. شناخت این شهرها همواره از محورهای مطالعاتی مورد علاقه در نظریه شهر جهانی بوده است. با وجود تلاش‌های گسترده برای تعیین معیارهایی برای شناخت و تفکیک این شهرها، تاکنون مبنای نظری و تجربی محکمی برای شناخت شهرهای جهانی فراهم نشده است.

یکی از منابع مهم برای شناخت خصوصیات شهرهای جهانی، توصیفات و تعاریفی است که توسط محققان مختلف ارائه می‌شوند. قدیمی‌ترین توصیف از شهر جهانی توسط پاتریک گدس (۱۹۱۵) ارائه شد که آنها را مرکز انجام مهم‌ترین فعالیت‌های اقتصادی جهان معرفی کرد. پس از آن پیتر هال در سال ۱۹۶۶، شهرهای جهانی را مراکز قدرت سیاسی در سطوح ملی و بین‌المللی، محل استقرار ادارات مرتبط با دولت، مراکز تجارت ملی و بین‌المللی، مراکز حمل کالاهای کشورهای مربوطه و همسایه، مراکز ارائه خدمات بانکی، بیمه و خدمات مالی مربوطه، مراکز تولید و ارائه خدمات پیشرفته در زمینه‌های پزشکی، حقوق، آموزش عالی، کاربرد دانش علمی در فن‌آوری، مراکز گردآوری و انتشار اطلاعات از طریق نشریات و رسانه‌ها، مراکز مصرف انبوه کالاهای لوکس و غیر آن، مراکز هنر، فرهنگ، سرگرمی، و سایر فعالیت‌های گوناگون دیگر توصیف کرد [Hall, 2005]. با تشدید فرایندهای جهانی شدن و تأثیرات آن بر شهرها، تعاریف شهر جهانی نیز ارتباط بیشتری با پاسخ شهرها به جهانی شدن می‌یابند. در این دوره، «جان فریدمن» شهر جهانی را مکان استقرار مراکز بزرگ مالی، ادارات شرکت‌های فراملی، مؤسسات بین‌المللی با رشد سریع خدمات کسب و کار، استقرار کارخانه‌های مهم، گره‌های حمل و نقلی مهم و جمعیت زیاد توصیف کرد [Friedman, 1986:320]. در تعریف فریدمن به ماهیت اقتصادی شهرها بیشتر از قبل توجه شد. وی در سال‌های بعد، شهر جهانی را فضایی کوچک‌تر از کل جهان برای انباشت سرمایه و همچنین فضاهای شهری بزرگ با تعاملات اقتصادی و اجتماعی فشرده معرفی کرد [Friedman, 1995:25-26].

«آنتونی کینگ»، جوهری‌ترین خصیصه شهر جهانی را کارکرد هدایت‌گری آن در اقتصاد جهانی می‌داند که خصوصیات سیاسی-جغرافیایی اساسی به آنها می‌بخشد [King, 1991: 25].

کینگ نیز اهمیت شهرهای جهانی را به اقتصاد جهانی و تأثیرات و نیازهای آن مربوط می‌سازد.

ساسن، شهر جهانی را مکان‌های تولید خدمات تخصصی مورد نیاز مجموعه‌ای از سازمان‌ها و شرکت‌ها برای اداره شبکه پراکنده‌ای از کارخانجات، ادارات و پایانه‌های فروش خدمات و مکان‌های تولید نوآوری‌های مالی و بازاریابی برای بین‌المللی‌سازی و توسعه صنایع مالی توصیف می‌کند. از نظر وی آنچه در شهر جهانی تولید می‌شود، خدمات تخصصی و کالاهای مالی است [Sassen, 2001:5]. در این تعریف، ساسن بر اهمیت کارکردهای اقتصادی شهر جهانی تأکید دارد. وی در توصیف شهرهای جهانی از انواعی خدمات پیشرفته و تخصصی نام می‌برد که تولید آنها به شهرهای جهانی اختصاص دارد و از آنها به عنوان وجه متمایز شهر جهانی از سایر شهرها استفاده می‌کند.

بخشی از تعاریف و توصیفات درباره شهر جهانی بیانگر وضعیت تأثیرپذیری آنها از فن‌آوری‌های ارتباطات و اطلاعات است. در این رابطه، بیشتر تبیین‌ها متأثر از نظریات «مانوئل کاستلز» درباره ماهیت جوامع اطلاعاتی و شبکه‌های معاصر هستند. کاستلز با نگرش به تأثیرپذیری شهرها از فن‌آوری‌های ارتباطات و ظهور اقتصاد اطلاعاتی، شهرهای جهانی را نه یک مکان بلکه یک فرایند تلقی می‌کند. فرایندی که مراکز تولید و مصرف خدمات پیشرفته و جوامع محلی وابسته به آنها را در یک شبکه جهانی به یکدیگر پیوند می‌دهد [کاستلز، ۱۳۸۰: ۴۶۲].

کاستلز، شهر جهانی را با شهر اطلاعاتی مترادف می‌گیرد و فعالیت مؤثر این شهرها در فضای جریان‌ها را مبنای توصیف آنها تلقی می‌کند. «میشل پاسیون» در جمع‌بندی خصوصیات شهر جهانی، ۱۷ خصیصه مهم را برای این شهرها بر شمرده. از نظر وی، این شهرها بر اساس جایگاه شرکت‌های فراملی در پیوند با اقتصاد جهانی و دولت‌های ملی، بیش از حد متعارف، محل استقرار دفاتر مرکزی بزرگ‌ترین شرکت‌ها و بانک‌های بین‌المللی هستند. در این شهرها، حضور دفاتر شرکت‌های بزرگ و نهادهای مالی و جهانی موجب رشد سریع طبقه‌ای نخبه با حقوق بالا می‌شود که در زمینه ارائه خدمات مولد فراملی نظیر خدمات حقوقی، بانکداری، بیمه، خدمات کسب و کار، حسابداری، تبلیغات و ... فعالیت دارند. شهرهای جهانی به دلیل اقتصاد رو به گسترش و تجدید و تمرکز سرمایه‌گذاری، مراکز بیشترین سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی هستند [Pacione, 2001: 296]. در این تعاریف، نقش شرکت‌های فراملی و فعالیت‌های جهانی آنها در ارتقای جایگاه جهانی شهرها مهم تلقی شد.

توجه به تعاریف یادشده و انواعی از تعاریف و توصیفات دیگر از شهرهای جهانی، بیانگر چندین خصیصه عام این شهرهاست که سطح کارکردی و انحصار شهرها در داشتن آنها، مبنای تعیین سطح جهانی بودن آنهاست. گرچه این خصوصیات عام ممکن است در همه شهرهای جهانی وجود داشته باشد، ولی همه شهرها لزوماً در داشتن آنها یکسان نیستند و برخی شهرها در یک نوع خاص از کارکردها دارای شهرت بالاتری است. این خصیصه‌های عام عبارت است از:

۱. فعالیت‌های شهر جهانی بیشترین پیوند را با اقتصاد جهانی دارند.

۲. شهر جهانی، مناسب‌ترین مکان برای استقرار ادارات مرکزی شرکت‌های اقتصادی برای هدایت فرایند تولید جهانی هستند.

۳. شرکت‌های فراملی به عنوان مهم‌ترین فعالان اقتصاد جهانی با استقرار در شهرهای جهانی، بیشترین کمک را به توسعه این شهرها و ارتقای جایگاه جهانی آنها می‌کنند.

۴. شهرهای جهانی به دلیل حضور شرکت‌های فراملی و دیگر عاملان تولید جهانی در این شهرها، بزرگ‌ترین مراکز تولید و عرضه خدمات پیشرفته تخصصی برای تولیدکنندگان جهانی هستند.

۵. شهر جهانی، مرکز استقرار نهادهای قدرت در سطح ملی و بین‌المللی هستند.

۶. شهرهای جهانی به دلیل حضور بازارهای مالی و شرکت‌های مدیریت تولید جهانی و خدمات متنوع اقتصادی، مکان مطلوبی برای تجارت و بازرگانی در سطح بین‌المللی نیز هستند.

۷. شهرهای جهانی به دلیل تعدد مراکز علمی و آموزشی، تراکم نیروی انسانی متخصص و تقاضای روز افزون تولید جهانی، بهترین تسهیلات و زمینه‌ها را برای نوآوری و توسعه فن‌آوری‌های مرتبط با تولید جهانی و انتشار آنها در سطح جهانی فراهم می‌کنند.

۸. شهرهای جهانی به دلیل تمرکز انواعی از کارکردهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، گره‌گاه‌های مهم حمل و نقل مسافر و کالا در جهان هستند.

۹. شهرهای جهانی به دلیل نیاز شرکت‌ها و فعالیت‌های جهانی، جمعیت مهاجر زیادی را به خود جذب می‌کنند و تنوع فرهنگی، تحصیلی و تخصصی قابل توجهی را ایجاد می‌کنند.

معیارهای رتبه‌بندی شهر جهانی

محققان برای سنجش میزان جهانی‌بودن شهرها از معیارهای گوناگونی استفاده می‌کنند که اغلب آنها ماهیت اقتصادی دارند. از مهم‌ترین مشکلات برای دستیابی به معیارهایی جامع برای رتبه‌بندی شهرهای جهانی، نبود داده‌های مناسب درباره همه شهرهای مورد بررسی چه از نظر جامعیت و چه همانندی بین شهرهای مختلف و نبود اجماع نظر کافی درباره خصوصیات شهر جهانی است. با تلاش‌هایی که تاکنون انجام شده، معیارهای رتبه‌بندی شهرهای جهانی نیز در حال توسعه و تکامل هستند. با وجود اهمیت معیارها و شاخص‌ها، "در ادبیات موجود در رابطه با شهرهای جهانی، عمده بررسی‌ها بر رابطه بین شهر و جهانی‌شدن و توصیف کیفی از خصوصیات شهرهای جهانی تمرکز یافته و توجه کمتری به ارائه شاخص‌های کمی برای شکل‌گیری شهر جهانی شده است. شاخص‌های کمی، اهمیت زیادی برای دولت‌ها و برنامه‌ریزانی دارد که می‌خواهند شهرهای خود را به سمت جهانی‌شدن هدایت کنند" [Cay & Cit, 2005: 239].

«فریدمن» و «ولف» با تأکید بر اهمیت این پرسشی اساسی که مناطق شهری به چه شیوه‌ای با سیستم جهانی روابط اقتصادی می‌پیوندند؟ توجه به دو موضوع زیر را در بررسی سطح جهانی بودن شهرها ضروری می‌دانند:

۱) شکل و توان پیوند شهر به نظام جهانی: (یعنی تا چه اندازه آن شهر به عنوان مکان اداره مرکزی برای شرکت‌های فراملی عمل می‌کند؛ تا چه اندازه شهر به مکانی امن برای سرمایه‌گذاری سرمایه‌های مازاد در حوزه املاک و زمین‌داری تبدیل شده است؛ اهمیت شهر به عنوان تولیدکننده کالاهای مورد نیاز بازارهای جهانی چقدر است؛ به عنوان یک مرکز اعتقادی چه نقشی ایفا می‌کند یا قدرت نسبی آن به عنوان یک بازار جهانی چقدر است).

۲) تسلط فضایی شهر از نظر عملکرد سرمایه‌ای: (یعنی آیا قلمرو تحت کنترل مالی یا بازار شهر در سطح جهانی است، یا کمتر از جهانی است و منطقه‌ای فراتر از چند کشور را دربرمی‌گیرد، یا به عنوان مفصلی بین اقتصاد ملی و جهانی عمل می‌کند). این معیارهای به هم پیوسته جهانی باید به صورت پویا و در گذر زمان‌های قبل بررسی شوند [Friedman & Wolf, 1982: 159].

با وجود تنوع در معیارهایی که در مطالعات مختلف برای تعیین سطح جهانی‌بودن شهرها و رتبه‌بندی آنها مورد استفاده قرار گرفته است و آن‌چنان که از تعاریف شهرهای جهانی بر می‌آید، معیارهای پرکاربرد برای رتبه‌بندی شهرهای جهانی شامل؛ فعالیت در زمینه اقتصاد جهانی (براساس شاخص‌های تعداد نمایندگی شرکت‌های فراملی، مراکز مالی و تعداد تعداد بانک‌های جهانی، ارزش بازارهای سهام، وضعیت انتقال پول به خارج از کشور)؛ میزبانی کنفرانس‌ها و همایش‌های علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ورزشی برگزار شده در شهرها در مقیاس جهانی؛ میزان به هم پیوستگی اجتماعی ساکنان شهرها با خارج از سرزمین مادری خود (بر اساس وضعیت استفاده از اینترنت و ارتباطات مخابراتی با خارج از کشورها) و پذیرایی از مسافران کاری و تفریحی (بر اساس تعداد خطوط پروازی و پروازهای بین‌المللی) است. رتبه‌بندی شهرها بر اساس این معیارها نمایانگر میزان پیوستگی شهرها با فضای جهانی و رتبه جهانی بودن آنها است.

شهرهای جهانی معاصر

تاکنون تلاش‌های متنوع و متعددی برای رتبه‌بندی جهانی بودن شهرها انجام شد. از آنجایی که این رتبه‌بندی‌ها از نظر معیارهای رتبه‌بندی و انواع و حجم داده‌های مورد استفاده، تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند، لذا امکان مقایسه جایگاه شهرها در رتبه‌بندی‌های مختلف وجود ندارد. یکی از رتبه‌بندی‌های نسبتاً جامع در دهه اخیر توسط بیورستاک و همکارانشان در گروه مطالعاتی شهرهای جهانی دانشگاه لایپزینگ انگلستان انجام شده است. در این رتبه‌بندی، اطلاعات متنوع ۱۲۲ شهر برای رتبه‌بندی آنها براساس میزان حضور، بزرگی و نقش دفاتر شرکت‌های تولیدکننده خدمات تخصصی پیشرفته در زمینه‌های حسابداری، تبلیغات، بانکداری، تأمین منابع مالی و خدمات حقوقی مورد استفاده قرار گرفت [Beaverstock et al, 1999]. مجله فارین پالیسی نیز با همکاری شرکت مهندسی مشاور کرنی و شورای امور جهانی شیکاگو، هر ساله شهرهای جهان را بر اساس شاخص‌های متعددی در پنج حوزه کسب و کار، سرمایه انسانی، تبادل اطلاعات، تجارب فرهنگی و توافقات سیاسی رتبه‌بندی می‌کند [Foreign Policy, 2008]. ساسن و همکارانش با استفاده از اطلاعات مربوط به کارت‌های اعتباری شرکت مستر کارت، ۶۳ شهر کوچک و بزرگ جهان را در سال ۲۰۰۷ مورد بررسی قرار دادند. در این رتبه‌بندی از داده‌هایی در رابطه با ۱۰۰ معیار مختلف در زمینه‌هایی شامل چارچوب سیاسی و قانونی، ثبات اقتصادی، سهولت کسب و کار، جریان سرمایه، مرکزیت تجاری و تولید دانش و جریان اطلاعات استفاده شد [Sassen, 2008].

با وجود بررسی‌های مختلف درباره جایگاه جهانی شهرهای مختلف در طول چند دهه اخیر، همچنان ابهام در تعیین موقعیت جهانی بیشتر شهرها وجود دارد و جز در مورد برخی شهرها در اروپا و آمریکا و معدودی از شهرهای آسیایی نظیر توکیو، اتفاق نظری نسبی درباره سطح جهانی بودن آنها وجود ندارد. بیشترین اتفاق نظر درباره سه شهر نیویورک، لندن و توکیو وجود دارد که همواره در رأس رتبه‌بندی‌ها قرار دارند. درباره سایر شهرهای جهانی اتفاق نظر بسیار کمی دیده می‌شود. این وضعیت موجب گستردگی دامنه تعریفی شهر جهانی برای دربرگرفتن شهرهای بیشتری به عنوان شهرهای جهانی شد. با توجه به نسبی بودن جایگاه جهانی شهرها در همه رتبه‌بندی‌های یادشده، برخی شهرها، همواره در بالای سیاهه‌های رتبه‌بندی قرار دارند. این وضعیت با توجه به استفاده از شاخص‌ها و روش‌های مختلف برای رتبه‌بندی، نشانگر موقعیت ممتاز این شهرها در بین شهرهای جهان از نظر میزان جهانی بودن است. جدول ۱ نشانگر شهرهای جهانی در پنج رتبه اول فهرست‌های رتبه‌بندی شده مختلف است.

رتبه	فهرست بیورستاک ۱۹۹۹	فهرست Foreign Policy ۲۰۰۷	فهرست ساسن ۲۰۰۷
رتبه اول	لندن	نیویورک	لندن
رتبه دوم	پاریس	لندن	نیویورک
رتبه سوم	نیویورک	پاریس	توکیو
رتبه چهارم	توکیو	توکیو	شیکاگو
رتبه پنجم	شیکاگو	هنگ کنگ	هنگ کنگ

جدول ۱. شهرهای جهانی رتبه‌های یک تا پنج در فهرست‌های رتبه‌بندی اخیر. مأخذ: نگارندگان.

نتیجه‌گیری

شهرها در طول چندین دهه اخیر، تحولات اجتماعی و اقتصادی شگرفی را در نتیجه جهانی‌شدن تجربه کرده‌اند. برای شناخت این تحولات در ابعاد ارتباطی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، مطالعات گوناگونی انجام شده و نتایج قابل توجهی درباره نحوه رویارویی شهرها با جهانی‌شدن و واکنش‌های آنها به این پدیده فراگیر را آشکار ساخته است. پیگیری این موضوعات منجر به توسعه یک چارچوب نظری در مطالعات شهری شد که بررسی روابط بین شهرها و جهانی‌شدن و خصوصیات جدید آنها در نتیجه گسترش فزاینده جهانی‌شدن را در کانون توجه خود دارد. این نظریه که با عنوان «شهر جهانی» شناخته می‌شود از دهه ۱۹۷۰ رو به تکامل دارد و هر روز بر غنای آن افزوده می‌شود. اینک در خارج از اروپا و آمریکا نیز مطالعات گوناگونی برای شناخت تأثیرات جهانی‌شدن بر شهرهای مختلف جهان انجام می‌شود و معیارهای شناخت تعیین سطح جهانی‌بودن آنها در حال تکامل است. براساس نتایج مختلفی که به دست آمد، اقتصاد شهرها تحولات شگرفی داشته است. این تحولات در شهرهای پیشرفته با تغییر از اقتصاد صنعتی به اقتصاد خدماتی و اهمیت یافتن اطلاعات و دانش برای تولید خدمات پیشرفته و در شهرهای در حال توسعه با صنعتی‌شدن بیشتر شناخته می‌شود.

علاوه بر این، شهرها در دوران جهانی‌شدن با وجود تصور کاهش اعتبار و جایگاه تاریخی آنها در نتیجه کاهش اهمیت مکان و زمان، مرکزیتی دوباره یافتند. این مرکزیت، نتیجه تصمیم‌گیری شرکت‌های جهانی برای استقرار مراکز اداری خود در شهرهای مهم جهانی و تسهیلاتی است که این شهرها در اختیار شرکت‌ها قرار می‌دهند. توسعه فن‌آوری‌های ارتباطی و استفاده فراوان از آنها موجب افزایش جریان اطلاعاتی بین شهرها و شکل‌گیری شبکه‌های شهری جهانی بین افراد، گروه‌ها، شرکت‌ها و مراکز فعالیت مختلف شده است. این شبکه‌های در حال توسعه تسهیل‌کننده مدیریت فعالیت‌های اقتصادی پراکنده شده در سراسر جهان و نیز برقراری روابط بین فردی در ورای مرزهای ملی هستند. تشدید پیوند شهرها با جهانی‌شدن و تحولات ناشی از آن موجب ظهور شهرهایی جهانی شده است که مرکز استقرار ادارات مرکزی شرکت‌های بزرگ مرتبط با تولید جهانی، مراکز مالی تأمین‌کننده سرمایه، شرکت‌های تولیدکننده خدمات تخصصی پیشرفته در زمینه‌های حسابداری، تبلیغات، حقوق، مشاوره‌ای و ... شرکت‌های تولید و انتشار اطلاعات و مؤسسات جهانی فرهنگی و سیاسی هستند. این شهرها در اوج پیوند با جهانی‌شدن قرار دارند و شهرهای مختلف برای رسیدن به چنین جایگاهی تلاش می‌کنند. رتبه‌بندی این شهرها از نظر میزان پیوند با جهانی‌شدن و ایفای نقش‌های جهانی از موضوعات مهم تحقیق در نظریه جهانی‌شدن است و تاکنون معیارهای گوناگونی برای رتبه‌بندی آنها مورد استفاده قرار گرفته است. با وجود تحقیقات فراوان و تفکرات مختلف در نظریه شهر جهانی، هنوز اجماع کاملی درباره مشخصات شهرهای جهانی، معیارهای مناسب برای شناخت و رتبه‌بندی این شهرها شکل نگرفته است. ولی تلاش‌های گسترده نوید دستیابی به چنین سطحی از شناخت در نظریه شهر جهانی را می‌دهند.

پی‌نوشت‌ها

۱. World city hypothesis
۲. Introducing a concept :The global city
۳. Supranational
۴. First Order
۵. Second Order
۶. Host International
۷. the globalization response

فهرست منابع

- اسکات، آلن جان. ۱۳۸۴. **شهر- منطقه‌های جهانی**. ت: پانته‌آ لطفی کاظمی. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- برک‌پور، ناصر؛ ایرج اسدی. ۱۳۸۸. **مدیریت و حکمروایی شهری**. تهران: دانشگاه هنر.
- بهکیش، محمدمهدی. ۱۳۸۱. **اقتصاد ایران در بستر جهانی‌شدن**. تهران: نشر نی.
- رابرتسون، رونالد. ۱۳۸۵. **جهانی‌شدن: تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی**، ت: کمال پولادی، تهران: نشر ثالث.
- کاستلز، مانوئل. ۱۳۸۰. **ظهور جامعه شبکه‌ای (اقتصاد، جامعه و فرهنگ)**. جلد اول. ت: احد علیقلیان، افشین، خاکباز و علی پایا. تهران: طرح نو.
- واترز، مالکوم. ۱۳۷۹. **جهانی‌شدن**، ت: اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی. تهران: سازمان مدیریت صنعتی.

References

- Abrahamson, M. (2004). **global cities**, Oxford University Press.
- Alderson, S. & Beckfield, J. (2004). "Power and Position in the World City System", American Journal Of Sociology (AJS), Vol 109 No 4.
- Beaverstock, J.V., R.G .Smith & P.J .Taylor. (1999). "A Roster of World Cities, Cities", Vol 16, No 6.
- Breitung, W & Günter, M. (2006). "Local and Social Change In A Global City -The Case of Hong Kong", In Wu Fulong Hrsg (Eds), Globalization and the Chinese City, Routledge.
- Brenner, N.2004. **New State Spaces :Urban Governance and the Rescaling Of Statehood**, Oxford University Press.
- Cai, J & .Sit, V.F.S. (2005). "Measuring World City Formation – The Case Of Shanghai" In: Harry Ward Richardson, Chang-Hee Christine Bae (Eds), Globalization And Urban Development, Springer.
- Clark, D. (1996). **Urban World, Global City**, Routledge.
- Edgar, P. (2000). **Participatory Urban Governance: Practical Approaches, Regional Trends and UMP Experiences**. A Publication for the UNCHS [Habitat].
- Fiévé, N. & Waley, P. (2003). **Japanese Capitals in Historical Perspective :Place, Power and Memory in Kyoto, Edo and Tokyo**, Routledge.
- Foreign Policy. (2008). "The 2008 Global Cities Index", November/December.
- Friedman, J. & Wolf, G. (1982). "World city formation: an agenda for research and action", Reprinted in Neil Brenner (Eds). (2006). **The Global Cities Reader**, Routledge.
- Friedman, J. (1986). "The World City Hypothesis", Development And Change, No.17, Reprinted In P .Knox And P .Taylor (Eds). (1995). **World Cities In A World System** Pp .317-331, New York : Cambridge University Press .

- Friedman, J. (1995). "Where We Stand :A Decade Of World City", In P .L .Knox And P .J .Taylor (Eds) World Cities In A World System, Cambridge University Press.
- Gugler, J. (2004). **World Cities beyond the West: Globalization, Development and Inequality**, Cambridge University.
- Hall, P. (1966). "The Metropolitan Explosion", reprinted in Neil, Brenner (Eds), 2006, The Global Cities Reader, Routledge.
- Hall, P. (2005). "The World's Urban Systems: A European Perspective", Global Urban Development, Vol .1.
- Hun-Min, K. (2004). "A Comparative Study On Industrial Competitiveness Of World Cities", International Review Of Public Administration, Vol .9, No 1.
- King, D. A. (1991). **Global Cities**, Routledge.
- Pacione, M. (2001). **Urban geography :a global perspective**, Routledge.
- Perry, W. & Maurer, B. (2003). **Globalization under Construction :Governmentality, Law, and Identity**, University Of Minnesota Press.
- Sassen, S. (2001). **The Global City :New York, London, Tokyo**, Princeton University Press.
- Sassen, S. (2004). **Afterword, in Gogler (Eds) world cities beyond west**.
- Sassen, S. (2005). "The global city: Introducing a concept", Brown Journal of World Affairs, 11(2).
- Sassen, S. (2008). "Specialized Cities Make A Difference", At (Enr. Construction.Com/Opinions/Viewpoint/Archives/080730.Asp).
- Schuurman, J. F. (2001). **Globalization and Development Studies: Challenges for the 21st Century**, Sage Publications.
- Ye, L. (2004). "Is Shanghai Really A Global City? "Presented At City Futures – An International Conference On Globalism And Urban Change, Chicago.